

لغات کلیدی و تکمیلی

درس اول - پایه دوازدهم

“*Key words*”

(*Lesson One – Vision Three*)

تهیه و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای نمونه شهرستان بوکان / استان آذربایجان غربی

فایل صوتی و ویرایش:

وحید حشمتی

دبیر دبیرستانهای شهرستان آباده / استان فارس

سایر جزوات و مطالب آموزشی در کانال تلگرامی:

@PracticalEnglishInKonkour

شهریور ۱۴۰۱

لغات کلیدی و تکمیلی "درس اول - پایه دوازدهم"



	<i>"Persian Meanings"</i>	<i>"Words"</i>	<i>"Persian Meanings"</i>
accidental	تصادفی	at all	اصلاً، ابدأ، به هیچ وجه
accidentally	تصادفاً، اتفاقی	at last	سرانجام، در نهایت
A.D.	بعد از میلاد مسیح، میلادی	at least	حداقل
a set of	مجموعه ای از	attempt	تلاش، کوشش
abroad	خارج از کشور	author	نویسنده، مؤلف
active	فعال، پر جنب و جوش	authorized	مجاز - مختار
active voice	جمله معلوم (در دستور زبان)	authority	صلاحیت، اختیار - معتبر
addition	جمع، اضافه	babysit	از بچه پرستاری کردن
advice	نصیحت، توصیه	babysitter	پرستار بچه
advise	نصیحت کردن، توصیه کردن	bear	خرس - به دنیا آوردن - تحمل کردن
advisement	مشورت، تأمل	be born	متولد شدن، به دنیا آمدن
advisor	مشاور، راهنما	because of	به خاطر
again and again	بارها، دوباره و دوباره	belonging	تعلق، وابستگی
agreement	توافق، موافقت، قرارداد	bless	دعا کردن، مبارک خواندن
after a while	بعد از مدتی	blessed	مبارک، سعید، خوشبخت
airbag	کیسه هوا	blessedness	سعادت، برکت، خوشبختی
airplane	هواپیما	blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، نعمت
along with	به علاوه، افزون بر، همراه با	boost	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن
aloud	بلند، با صدای بلند	booster	تقویت کننده، حامی سیاسی
although	اگرچه، گرچه، با اینکه	bother	آزار، اذیت - اذیت کردن
analyze	بررسی کردن، آنالیز کردن	bring up	تربیت کردن، مطرح کردن
analyzer	تحلیل کننده، تحلیل گر	broken-hearted	دلشکسته، ناامید
anniversary	سالگرد	burst	ترکیدن، منفجر شدن
antonym	متضاد، ضد	businessman	تاجر، بازرگان
appropriate	مناسب، شایسته	by heart	از حفظ، از بر، حفظی
appreciation	قدردانی، درک، فهم	by the way	راستی، بگذریم
appreciative	قدردان، قدرشناس	cage	قفس، قفسه، محفظه
appreciate	قدردانی کردن، درک کردن، فهمیدن	calmly	آرام، راحت، به آرامی، آهسته
article	مقاله - شیئی	cancer	سرطان، بلا
as	از آنجائیکه - وقتی که - به عنوان	capable of	قادر به
as follows	به شرح زیر، همچون زیر	care for	مراقبت کردن از، پرستاری کردن از
a sign of	یک نشانه از	carry	حمل کردن، با خود بردن، منتقل کردن
as well	همچنین (در انتهای جمله می آید)	carry no risk	خطر نکردن، ریسک نکردن
as well as	همچنین، علاوه بر	(the) Caspian Sea	دریای خزر

لغات کلیدی و تکمیلی "درس اول - پایه دوازدهم"



	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
catch	گرفتن (بیماری، تاکسی و...)، قاپیدن - فهمیدن	definition	تعریف، معنی
center	مرکز، وسط، کانون	description	توصیف، تشریح
chapter	فصل (کتاب)	descriptive	توصیفی، تشریحی، وصفی
chess	شطرنج	detective	کاراگاه (پلیس)، بازرس
childhood	بچگی، کودکی، دوران بچگی	diary	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت
choose	انتخاب کردن، تصمیم گرفتن	diploma	مدرک تحصیلی، دیپلم
close friend	دوست صمیمی، دوست نزدیک	discover	کشف کردن، پی بردن، پیدا کردن
college	دانشکده، کالج	discovery	کشف، اکتشاف
collocation	ترکیب، همآیند هم نشینی،	distinguish	تشخیص دادن، متمایز کردن
combine	ترکیب کردن، ترکیب شدن	distinguished	برجسته، ممتاز، سرشناس
combination	ترکیب	dish	غذا، ظرف غذا - بشقاب
come back	برگشتن	doer	انجام دهنده، اهل عمل
complain	شکایت کردن، گلایه کردن	deserve	استحقاق داشتن، سزاوار بودن
compound	مرکب، ترکیبی، مخلوط، ترکیب	divorce	طلاق، جدایی
comprehension	درک مطلب، فهم	documentary	مستند، سند دار
concern	دغدغه، نگرانی، تشویش	duty	وظیفه، کار، خدمت، تکلیف
conference	کنفرانس، جلسه	economically	از نظر اقتصادی
confirm	تائید کردن، ثابت کردن	effortless	بدون تلاش، آسان، ساده
confirmation	تصدیق، تائید - تثبیت	either ... or	یا ... یا - هر یک (از دو)
connecting	رابط، ربط دهنده	elder	بزرگ تر، بزرگ
countless	بی شمار، بی اندازه، بسیار زیاد	elderly	سالخورده، پیر، قدیمی، کهنه
cousin	خاله یا عمه زاده - عمو یا دایی زاده	elicit	بیرون کشیدن، به دست آوردن
critic	منتقد، انتقاد کننده	emotion	احساس، شور
criticize	نقد کردن، انتقاد کردن، نکوهش	end in	ختم شدن به، پایان یافتن با
cry	گریه کردن، جیغ کشیدن	enjoyable	لذت بخش، مطبوع، خوشایند
culture	فرهنگ	ethics	اخلاق، اخلاقیات، اصول اخلاقی
cultural	فرهنگی	evidence	مدرک، گواهی، دلیل - شاهد
cure	درمان، چاره، درمان کردن	expert	متخصص، کارشناس
custom	رسم، سنت - گمرک (در جمع)	feed	غذا دادن به، تغذیه کردن
customer	مشتری، خریدار	feedback	بازخورد، بازده، فیدبک
dear	عزیز، گرانمایه	feeding	تغذیه، خوراک
dedicate	وقف کردن، اختصاص دادن	fingerprint	اثر انگشت
dedicated	متعهد - وقف شده - ایثارگر	fix	تعمیر کردن، محکم کردن - درست کردن (غذا)
dedication	اهداء، وقف، تخصیص - فداکاری	forgive	بخشیدن، عفو کردن

لغات کلیدی و تکمیلی "درس اول - پایه دوازدهم"



	<i>"Persian Meanings"</i>	<i>"Words"</i>	<i>"Persian Meanings"</i>
forgiveness	بخشش، عفو، گذشت	(sit on) lap	روی (دامن) کسی نشستن
forgiver	بخشنده، عفو کننده	lawyer	وکیل
found	تأسیس کردن، ایجاد کردن	lie	دروغ، دروغ گفتن - دراز کشیدن
founder	تأسیس کننده، مؤسس، بنیان گذار	location	محل، جا، موقعیت
failure	شکست، سقوط	loving	مهربان، بامحبت، محبت آمیز
fridge	یخچال	lower	پایین آوردن، کم کردن
generate	تولید کردن، به وجود آوردن	lack	فقدان، نبود، کمبود، نداشتن
generation	تولید، نسل	major	اصلی، عمده
go together	با هم همراه بودن، با هم جور بودن	marketing	بازاریابی
grandchild	نوه	meaningful	با معنی، معنی دار
guideline	رهنمود، توصیه، دستور العمل	moral	اخلاقی، نتیجه ی اخلاقی
grateful	سپاسگزار، متشکر	most	مهم تر این که، از همه مهمتر این که
gulf	خلیج	mother-in-law	مادر شوهر - مادر زن
handle	کنترل کردن، از عهده برآمدن	muscle	ماهیچه
hard of hearing	گوش (کسی) سنگین بودن	(the) North Pole	قطب شمال
hate	نفرت داشتن از، متنفر بودن از	Not surprisingly	تعجبی ندارد که، معلوم است که ...
hear of	با خبر بودن از، خبری داشتن	note	توجه کردن به، دقت کردن - یادداشت
hence	بنابراین - از حالا به بعد، دیگر	object	شیئی - (در دستور زبان) مفعول
heritage	میراث، ارثیه	once	روزی، روزگاری، یه زمانی یک بار
hometown	وطن، میهن	on the other hand	از طرف دیگر
honor	افتخار، احترام گرامی داشتن -	ordinary	معمولی، عادی
honorable	محترم، پسندیده، بزرگووار	parrot	طوطی
hug	در آغوش گرفتن	passive	(در دستور زبان) مجهول، صیغه
icy	یخی، سرد	pause	مکث کردن، مکث
identity	هویت	pay raise	افزایش حقوق
immigration	مهاجرت	peaceful	آرام، صلح طلب، صلح آمیز
immoral	غیر اخلاقی، بد اخلاق	penalty	جریمه، مجازات، تاوان
inappropriate	نامناسب	physician	پزشک، طبیب
inspiration	الهام، منبع الهام	pigeon	کبوتر
inspire	الهام بخشیدن	pity	ترحم، دلسوزی، جای تأسف
interestingly	جالب است که ...، شگفت است	poetry	شعر، شاعری، اشعار
inform	مطلع کردن، با خبر کردن	present (n, adj)	کادو، هدیه، حال - حاضر
informant	خبر چین، جاسوس، اطلاع دهنده	present (v)	ارائه کردن - اهدا کردن، تقدیم کردن
judge	قضاوت کردن - قاضی	principle	اصل، قاعده، اصل اخلاقی
kindly	با مهربانی، با ملایمت	process	فرآیند، جریان، روش - فرآوری کردن
kindness	مهربانی، لطف، محبت	profit	سود، فایده - سود بردن

لغات کلیدی و تکمیلی "درس اول - پایه دوازدهم"



	<i>"Persian Meanings"</i>	<i>"Words"</i>	<i>"Persian Meanings"</i>
provide	تامین کردن، تهیه کردن	sometime	زمانی، روزی، یک روزی
psychologist	روانشناس	sound	به نظر رسیدن - صدا دادن - صدا
punish	تنبیه کردن، مجازات کردن	spare	دریغ کردن، چشم پوشی کردن
punisher	تنبیه کننده، مجازات گر	steal	دزدیدن، دزدی کردن
punishment	تنبیه، مجازات	strength	قدرت، توان، استحکام، شدت
qualitative	کیفی، از نظر کیفیت	strict	سخت گیر
quantity	کمیت، مقدار، تعداد	substance	ماده اصلی، جنس، جسم، شیء
quantitative	از نظر کمیت، کمی	such	چنین، اینطور، چنان، آنقدر
rather than	به جای، به جای اینکه	suddenly	ناگهان، یک دفعه، یکهو
receive	دریافت کردن، بدست آوردن	tag question	عبارت الحاقی - پرسش تاکیدی
record	ثبت کردن، یادداشت کردن	take a rest	استراحت کردن
refuse	امتناع، رد کردن، نپذیرفتن	tear (n)	اشک
regard	در نظر گرفتن، ملاحظه کردن	tear (v)	پاره کردن، گسستن
regarding	در ارتباط با، با توجه به	teenager	نوجوان
release	رها کردن، آزاد کردن	temperature	درجه حرارت، دما، حرارت بدن، تب
religion	مذهب	terrible	وحشتناک، خیلی بد، افتضاح
religious	مذهبی، مؤمن	textbook	کتاب درسی
repeatedly	بارها، بارها و بارها، به کرات	thus	بدین ترتیب، بنابراین، این طور
replace	جایگزین کردن، قرار دادن	tool	ابزار، وسیله
reply	جواب دادن، جواب	truth	حقیقت، راستی
responsibility	مسئولیت، وظیفه	trustworthy	قابل اعتماد، درستکار
rub	سائیدن، مالیدن	uncertainty	عدم قطعیت، شک، تردید
robber	سارق، دزد	unnatural	غیر طبیعی، غیر عادی، ساختگی
rubbish	آشغال، زباله	umbrella	چتر، حافظ، پوشش
salary	حقوق، دستمزد	unconditionally	بدون قید و شرط
score	نمره، امتیاز، نتیجه	unreal	غیر واقعی، باور نکردنی
scoreboard	تابلو امتیاز	voluntarily	به طور داوطلبانه
sensation	احساس، حس، شور	warn	هشدار دادن، اخطار دادن
sense	حس، احساس، عقل، فهم، شعور	wealthy	ثروتمند، پولدار، غنی
series	سری، مجموعه	what's wrong?	مشکل چیه؟ - جریان چیه؟
shameful	شرم آور، خجالت آور، ننگین	whereby	که با آن، که از طریق آن
shout	فریاد کشیدن، فریاد	while	هنگامیکه - در حالی که
signal	علامت دادن، خبر دادن علامت،	willing	مایل، مشتاق، موافق
sofa	مبل، کاناپه	wisdom	حکمت، دانایی، عقل، معرفت
solution	راه حل - محلول	within	در، در محدوده ی، در داخل